

متن کامل سخنرانی انجوی نژاد مسئول کانون رهپویان وصال شیراز در اولین مراسم بعد از بمب‌گذاری

منبع: سایت کانون فرهنگی رهپویان

خداوند بشارت داده بر کسانی که با درد و غم و ناراحتی این دو سه روز دنیا را تحمل می کنند و دنیا را حقیقتاً دو سه روز می دانند و بالا و پایین دنیا برایشان اعتباری ندارد. آمدند که بندگی کنند و هر وقت که خدا خواست به سمت خداوند پرواز کنند خدا را شاکریم که در زمان عمرمان یک بار دیگر حماسه هایی را که فکر می کردیم به فراموشی سپرده شده دوباره برای ما تکرار شد. خدا را شکر می کنیم که برای مایی که شعار می دادیم زمینه ساز یک امتحان شد تا شعارهای ما محک بخورد و در این زمانه است که سره از ناسره و مرد از نامرد مشخص می شود. خدا را شکر می کنیم در حالی که کسی گمان نمی برد که با این واقعه و با این درد و مصیبت و بلا باز هم پایی برای حضور باشد ما میزبان قدوم مبارک شما خواهرها و برادرها بودیم که قدمتان بر چشم خود من!

نمردیم و دیدیم که یک عده ای در حالی که از درد به خودشان می پیچیدند اشکشان را برای دردشان نمی ریختند و اشکشان برای این بود که چرا ما نرفتیم؟ نمردیم و دیدیم عده ای که پاره تنشون، جگرگوششون و فرزندانشان را به خدا تقدیم کرده بودند بلند و رسا گفتند که خودمان و بقیه فرزندانمان هم فدای حسین. عده ای گمان می کردند که این حرفها مال همان دهه شصت بوده و چقدر توفیق دارند برادرها و خواهرهای جوانی که نمرند و معنای رفیق از دست دادن را چشیدند!

اونهایی که در کتابها و دفترچه خاطراتشان آرزوی شهادت می کردند امتحانشان را پس دادند که مرد شهادت هستند یا نه. دیدیم که شهادت به همین راحتی نیست؟ دیدیم که چقدر سخت است؟ وقتی که می گفتند شهادت هنر مردان خداستیک عده ای می گفتند چه هنری؟ این دنیا ارزشی ندارد و ما هم اگر آن زمان بودیم می رفتیم و شهید می شدیم. اما دیدند که چقدر سخت است دیدند که چراحت چقدر سخت است، دیدند که انفجار با بدن چکار می کند. دیدند که ضجه شنیدن چقدر سخت است، دیدند که جنازه پاره پاره و قطعه قطعه را جمع کردن چقدر مشکل است. نمردیم و عاشورا را دیدیم که من بعد که روضه گودی قتلگاه را می خوانند نگویند که شما برای چی دارید گریه می کنید؟ اگر علی اکبری قطعه قطعه شد ما داشتیم، اگر قاسم و عبدالله ۴ و ۱۱ ساله بودند ما داشتیم. من بعد وقتی برای امام حسین گریه می کنید می دونید برای چی دارید گریه می کنید. نمردیم و مزه جا موندن رو چشیدیم. نمردیم و تو خواهرها یک شهیده دادیم که دکتر می گفت وقتی تو حسینییه بالای سرش رسیدم که افتاده بود و خون اطرافش رو گرفته بود آخرین لحظات عمرش بود و آخرین رمقش می خواست باشه اما تا دید نامحرم داره میاد با تمام توانش چادرش رو مرتب کرد!!! این مردم برای حجابشون ارزش قائلند. تمام توانش را برای حفظ حجابش گذاشت. اینها حماسه بود. شهادت هنر مردان خداست. عجیبه خونه هر کدوم از شهداء که میرم میگن آقا بچه مون گفت که دارم میرم. خونه شهید موسوی میری باباش میگه بهم گفته بود که می خوام شهید بشم. خونه شهید نصیری میری میگه بابام گفته بود که دیشب خواب دیدم که یه مینی بوس دم کانون داره سوار می کنه برای کربلا. خونه شهید مهدوی میری میگه که مدتهاست که می گفت من بیست سال بیشتر عمر نمی کنم. و در حالی که فقط هفده روز از بیست سال گذشته بود شهید شد. دیدیم صحنه هایی را که کسی باور نمی کرد. نمردیم و دیدیم که شهادت گلچین است و بهترین ها را می برد.

در مسلخ عشق جز نکو را نکوشند
روبه صفتان زشت خو را نکشند

خوش به حال اونهایی که شنبه بودند. ما این مقتل و حسینیه رو نگه می داریم که گودی شهیدان ماست. می خواهیم پانزده متری گودی بایستیم ببینیم حضرت زینب چی کشید؟ در روایت داریم که جایی که کسی شهید میشه تا قیام قیامت ملانکه رفت و آمد می کنند.

شنیده بودیم که قاسم زیر سم اسبها بدنش با خاک یکی شد. دیدیم که بچه یازده و چهار ساله ای که قطعه قطعه شد. حالا می دونیم که برای چی باید گریه کنیم. خداوند به ما عمر داد که یک بار دیگر بفهمیم که خون شهید چقدر برکت دارد. حالا به بغل دستیت که نگاه می کنی تو دلت میگی:

بیا تا قدر یکدیگر بدانیم که تا ناگه ز یکدیگر نمانیم.

بچه ها با هم مهربون شدند با محبت شدند بچه بازیها رو فراموش کردند. زبونها کنترل شده. هر جای شهر که راه میرن مردم که نگاهشون می کنند کیف می کنند که اینها بازمانده های شهدا هستند. چقدر می گفتیم که بچه ها قدر این روزها را بدونید. ما زمانی که جنگ تموم شد قدر ندونستیم باختیم. حالا لااقل شما قدر بغل دستیت و قدر دوستت رو می دونی که چه خبره! شاید فردا رو هیچ کدوم از ما ندیدیم. دیگه آماده شدی و مطمئن شدی که همیشه نیستی.

جای همه خواهرها و برادرهایی که نبودند خالی بود

بوی حسین

بوی شهادت

بوی ملانکه

بوی سیب

بوی دوده و باروت

بوی گوشت سوخته شده

يك هفته است که شب تا صبح و صبح تا شب داریم گریه می کنیم نه برای اونهایی که رفتند برای خودمون که يك فرصت ديگه از دستمون رفت

•••
یاران چه غریبانه رفتند از این خانه

هم سوخته شمع ما هم سوخته پروانه

هرسو نظر اندازی در یاد کسی آفتی

ای وای که یارانم رفتند چه غریبانه

به خون شهید شك نکن. خون شهید برکت داره. برادرها و خواهرهاتون که مجروح و جانباز شدند برکتهای جامعه امروز ما هستند شك نکن

و اما چند نکته:

نکته اول:

پرونده باز است و جناب سردار رودکی که خودشون هم تشریف دارند فرمودند که نتیجه ای حاصل نشده و پرونده از نظر قضایی باز است و اگر کسی هر جای کشور دارد اعلام نظر می کند برای خودش دارد اعلام نظر می کند. **خطبه نماز جمعه دیروز شیراز رو شما نگاه کنید و با خطبه نماز جمعه دیروز تهران مقایسه کنید. در شیراز با اینکه آقای حانری کامل در جریان ریز ماجرا هست حرف نمی زند بعد تو تهران خیلی راحت اظهار نظر می کنند که آقا تموم شد رفت سهل الانگاری بوده!!!!**

اگر فقط به من بود بنده حاضرم سکوت کنم اما بچه ها و جوانهایی که الکی دارند تحت تهمت واقع می شوند بدانند که پرونده باز است و ما داریم تلاش می کنیم و دو تا نکته رو اینجا عرض می کنم. بنا نداریم که بحث رو زیاد باز کنیم و این به این معنا نیست که هیچ جا بنا نداریم چون ما گزارش داریم و الحمدلله رب العالمین در کانون عکس و فیلم و . . . به قدر کافی وجود دارد و تلاش می کنیم و به جاهای مختلف میدیم و يك عده هم همینطوری دارند اظهار نظر می کنند که آقا اینها سهل الانگاری و . . . بوده!

ببینید اون غرفه کذابی که میگن، سالمه الان افتاده تو حسینییه و بلافاصله بعد از انفجار، ما عقل داشتیم و از همه چیز عکس گرفتیم. چهار چوب بالای غرفه سالمه بنابراین از داخل این غرفه چیزی منفجر نشده. حالا پنج هزار تا کارشناس از دویست هزار تای جهان بیان بگن که نبوده. اما عقل مارو که نمی تونند بایکوت کنند. بنابراین از داخل چیزی منفجر نشده است. غرفه ای که پایه های پایینش داغون شده و چهار چوب بالای اون سالمه و فقط شیشه هاش از بین رفته و حتی رنگش هم نرفته است. پس از داخل این غرفه چیزی منفجر نشده و خودشون هم بهش رسیدند. پس مساله انفجار از درون غرفه واحد شهداء منتفی است. بنابراین يك چیزی از بیرون اون غرفه بوده است.

لذا علت انفجار به هیچ وجه مشخص نیست و هر کس هم چیزی میگه برای خودش میگه و اگر ما سکوت می کنیم چون نمی خوایم که ده نفر مدام دعوا کنند که این بیاد از این مصاحبه کنه اون روزنامه بیاد از اون مصاحبه کنه. در حالی که مملکت يك سیستم قضایی دارد و دارند يك پرونده رو بررسی می کند. حالا يك آقایی هر جا و هر کی می خواهد باشد. کسی که بیست دقیقه بعد از فاجعه نظر کارشناسی می دهد نظرش برای ما ارزشی ندارد که اصلا بخوایم باهاش بحث کنیم. بنابراین ما هیچ بحثی نداریم و منتظر نظر می نشینیم و ان شاءالله خون شهداء که فاش کرد اونوقت ما می دونیم که چگونه بتوانیم خون شهدایمان را رهروی کنیم.

خون این بچه ها راه خودش رو پیدا می کند. اینکه بنده بگویم تقصیر حسن و حسین و تقی و نقی بود مانع از راهگشایی از این خون نخواهد شد و هر کس در این مسیر کوچکترین خللی ایجاد کند خوب خدا صدا نخواهد داشت ما مطمئنیم و بنده هم آدمی نیستم که چهار تا جمعیت ببینم و جو زده بشم که تا چهار تا خبرگزاری اومد بگم ببینید دورمون شلوغ شد مصاحبه کنید و عکسمنونو بندازید و . . . من الان هم ناراحتم چون شغل بسیار محبوب من یعنی اخلاقی صحبت کردن با این تنشها جور در نمیاد که مدام پاشم برم اینطرف و اونطرف و این روزنامه و اون روزنامه و . . . حالا اگر عده ای دوست دارند مصاحبه کنند بیان تا صبح قیامت مصاحبه کنند. سکوتی که برای مصالح نظام است و به قول بزرگان شهر اگر عده ای اشتباه می کنند ما نباید اشتباه را با اشتباه جواب بدیم ما منتظر پایان

یافتیم و صحبت دو پهلو يك پهلو و سه پهلو . . . برای ما هم مهم نیست چون این پرونده بالاخره يك جایی به انجام می رسد. تلاشهای وسیعی داریم انجام میدیم و به حمد و وقوه خداوند از لحظه انفجار ما خواب راحت نداشتیم و خدارا شکر می کنیم برادرها و خواهرها! اینها قطعه قطعه شدند حالا ما نباید تحمل چهار تا حرف رو داشته باشیم؟ پدرو مادرشان دارند خون دل می خورند اونوقت بنده بیام بگم که چرا چهار نفر او مدن گفتند بله!

ما ساکت نشستیم و تلاشمون رو می کنیم و از رهبر معظم انقلاب که قدوم مبارکشون بزودی در شهر ما قرار می گیرد و ما ان شاءالله کفن پوش به استقبالشون می رویم تمنا داریم که به این واقعه عنایت بیشتری داشته باشند که ان شاءالله خون این بچه ها در مسیر خودش احقاق حق شود . خون شهید کار خودش را خواهد کرد.

نکته دوم:

من متاسفم و واقعا متاسفم و خیلی متاسفم از اینکه وقتی يك نفر در ورزشگاهی ترقه می اندازد و سربازی کور می شود صداسیما ساعتها بهش می پردازد اما برای صدا و سیمای مرکز متاسفم که از حماسه شما تنها دو تا دوازده ثانیه رو برای تشییع جنازه پخش کردند و اگر خدایی نکرده خدایی نکرده کسی قصد اهمال دارد ما از خداوند تبارک و تعالی می خواهیم و دعا می کنیم که هدایتش کند و ارزش خون این شهداء و دویست مجروح که برای آقایون اینقدر ارزش نداشت که حتی اجازه ندادند که تمام شبکه ها اعلام کنند و واقعا برای صدا و سیمای خودمان متاسفم که اینگونه این قضیه رو بایکوت کرد و اینگونه خون این بچه هایی که جای خودش رو باز خواهد کرد تقاضش دامن آنها را خواهد گرفت. برای يك ترقه توی يك ورزشگاه ساعتها کارشناسی و دیدار با رییس جمهور و اعلام جانبازی و پنجاه تومن و صد تومن اینطرف و آنطرف. . . . اما بچه ها برای اباعبدالله تکه تکه و قطعه قطعه شدند و خم به ابروی این آقایون نیومد!!!

پیغام مقام معظم رهبری رو با زحمت پخش کردند. حتی پیغام رییس جمهور رو نمی دونیم پخش کردند یا نکردند! خدا نکند که توپ تراکتور سازی بندر عباس بخوره به تیر دروازه ماهی فروشی فلان شهر . . . اونوقت ببینید چه خبر میشه. دویست تا تحلیل و توده تا شبکه تلویزیونی نشان می دهند اونوقت پیام رهبری که می فرماید من قلبم متاثر شد کجاست؟

من از نظام اسلامی توقع دارم که يك کم به این بی تفاوتیها توجه کنند. مردم ما عزادار اینجا نشستند انگار نه انگار که این صدا و سیما مال جمهوری اسلامیه . بابا هر واقعه و هر دلیلی که بوده نباید به مصاحبه یه نگاهی به . . . به اینها کرد؟؟ این چه وضعیه؟؟

بنده به سهم خود که سهم بسیار کوچکی است سر پل صراط یخه مسئولین را به خاطر این اهمالها خواهم گرفت .

نکته سوم:

ما ستادی برای رسیدگی به شهداء و جانبازانمان از روز اول تشکیل دادیم و ان شاءالله تا بعدش هم خواهیم بود و حقوق اینها را کاملا احقاق خواهیم کرد و انشاءالله خداوند بما توفیق خدمتکاری و نوکری برای این خانواده را تا زمان حیات به ما بدهد

آخرش همه چیز خوب می شود. ما به رهبریمون اعتقاد داریم ما خودمون رو فرزندان، مریدان و مقلدان مقام معظم رهبری می دانیم. ایشان اگر فرمان بدهند بنده خودم و همه این بچه ها حاضریم با گوشه چشم ایشان، خود و خانواده مان را فدای ولایت کنیم.

بنابراین این آزمایشها در مقابل بابی انت و امی و نفسی و مالی و . . . کاری که نیست . ما يك هفته دیگر هم صبر می کنیم. اعلام مواضع ما فقط از این تریبون هست و هیچ جای دیگری هم اعلام حضور نمی کند. هر کسی هر کاری خواست انجام دهد به ما ربطی ندارد. ما به علماء و بزرگان شهرمان اعتماد کامل داریم. حضرت آیت الله حائری، و حضرت آیت الله سید علی اصغر دستغیب در جریان ریز ماجرا هستند و حرف اینها برای ما حجت است و پدرانه و دلسوزانه همگام و همراه با شما بودند با شما اشک ریختند و با شما راه رفتند و حمایت کردند. ما به مسیر قضایی اعتماد کامل داریم و ان شاءالله همه چیز به خوبی و خوشی ختم می شود و این خون شهدا بالاخره خودش را نشان خواهد داد و ایدا ما در برابر حق و حقوق این بچه ها کوتاه نخواهیم آمد و هر چی هست روشن و شفاف بیان خواهد شد و ان شاءالله که خداوند تبارک و تعالی به ما توفیق رهروی راه شهداء را عنایت کند. برادرها و خواهرها این چند روزه خواهد گذشت و این رهروی است که مهم است.

عده ای زمزمه می کنن زمزمه هایی که ایجاد اختلاف بین خودمان کند و هر زمزمه ای که بخواهد شکاف بین ما و مسئولین درست کند که از خودمانند بدانند که ملت و مسئولین با همدن و هر زمزمه ای که بخواهد اختلاف ایجاد کند که ما در انتخابات شرکت نمی کنیم سخت در اشتباهند. بلکه در انتخابات پرشورتر از قبل شرکت می کنیم و هر زمزمه ای که بخواهد به توی جوان القاء کند که بابا دیدی چی شد؟ حقت رو خوردند. . .

صبر داشته باشید وقتی که به به و چه چه بنده رو بکنند پای ولایت ایستادن هنری نیست. وقتی که بنده مظلوم و محروم شوم پای ولایت ایستادن هنر است. ما تا آخرش ایستاده ایم و جلسات کانون هم مثل همیشه به صورت اخلاقی پاپرجا خواهد بود و ان شاءالله این مسیر را ادامه خواهیم داد و به قوت خودش برقرار است.

برادرها و خواهر اگر بنده را به عنوان نوکر خودشان قبول دارند اعتماد کنند و اجازه بدهند که ما کارها رو دنبال کنیم. لذا برادرها و خواهر تمام کشورهای بیگانه الان دلسوز کانون رهپویان وصال شدند. حالا رادیو فردا و رادیو امریکا دلسوز ما شد! نباید گول بخوریم.

لذا این آرزو را که از کانون بخواهند کوچکترین مخالفتی بر علیه نظام و بر علیه مملکت و بر علیه جمهوری اسلامی و خدایی نکرده زاویه دار با رهبری ببینید را دشمنان داخلی و خارجی باید به گور ببرند

ما این شهداء را دادیم که همه مخالفین ولایت در داخل و خارج را با همین مشت‌های گره کرده مان به گور بسپاریم

انتقادات ما داخلی است. در خانواده با خودمون بحث می کنیم. کسی بیاد بگه چه خبره می‌گیم به تو چه. ما سربلندیمون زمانی است که بتوانیم سربازی بار بیاوریم که برود و فدایی شود نه اینکه در ذهنش ایجاد شبهه کند.

ما اهل مقابله به مثل بدی نیستیم. ما که نمی خواهیم شهر را به هم بریزیم. آقا حضور امشب تو جلوی امام زمان پرونده ات رو مهوور کرد. ما گفتیم با این وضعیت پیش آمده جمعیت کانون پنج برابر میشه اما دیدیم پنجاه برابر شدند.

لذا مسیر خودش را طی خواهد کرد و ما کماکان هستیم و بسیار محکمتر از قبل هستیم. بنده و امثال بنده آبرومون از این نظامه و گرنه اگر الان زمان شاه بود که کاره ای نبودیم که حالا بخواهیم غصه آبرومون رو بخوریم. ماها آبرومون رو از شما و از این نظام گرفتیم. اگر این مملکت و این نظام جمهوری اسلامی نبود من الان کجا بودم؟؟ اگر بد بودیم در کدوم بساط از گناه و اگر خوب بودیم کجا مخفی شده بودیم؟

برادر من ما رفتیم برای این مملکت چون دادیم کی می خواد مارو برگردونه؟ چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟ بدترین اتفاقی که برای ما بیفتد تازه برای ما اول بسم الله است که حالا دیگه قشنگ و محکم برای خدا کار می کنیم

و نکته آخر:

در مقابل عظمت و لطف و محبت شما بنده احساس حقیری و زبونی می کنم و این مطلب من رو این چند روزه وحشتناک خراب کرده. یعنی من اینقدر مقابل این جوانهایی که می دونستم اینطوری هستند اما ندیده بودم و تنها چیزی که گمان نمی کردم این بود که بعد از انفجار برم بیمارستان بعد مجروحین من رو ببینند بغل کنند گریه کنند با چشمهای بسته و کور شده که حاجی ما چکار کردیم که شهید نشدیم؟ و تنها چیزی گمان نمی کردم این بود که برسم دم خونه این شهداء و پدرش خم بشه و بخواد دست مارو ببوسه و با محبت مارو بغل کنه که بقیه بچه هام هم فدای امام حسین.

در مقابل این عظمت من خرد شدم و دیگه چیزی از ما باقی نمانده است و ان شاءالله این عظمت شما به گوش رهبرتان خواهد رسید و امید پیدا می کند. شیرازی که می گفتند مهد جشنهای ۲۵۰۰ ساله است ببیند که چه جوانهایی دارد. شیراز که می گفتند مهد فساد است کار به جایی رسیده که به مشهد که می رویم خواهر های ما از نظر حجاب زیانزد می شوند. بنده به شیرازمان افتخار می کنم. بنده خاک پای شما را طوطیای چشمم می کنم. بنده افتخار می کنم که در شهری نفس می کشم که ملاصدرا اگر زمانی اینجا نفس می کشید امروز شمایی نفس می کشید که ملاصدراها هم به شما حسرت می برند. لذا خودتان را دست کم نگیرید اگر دو تا گناه پیش اومد ناامید نشوید.

شما امتحانتون رو پس دادید. بزرگان کشور زنگ می زنند که به این بچه ها بگو التماس دعا. لذا قدر خودتون رو بدوینید. برادرها و خواهرها بیشتر با همدیگر ملاطفت داشته باشند. وحدت رو حفظ کن. محبت و ارتباطات رو بیشتر کنید. به کوری چشم کسانی که با این مسائل مخالفند ما امسال تو کانون کارمون رو سه برابر می کنیم. به کوری چشم کسانی که نمی توانند این جمعهای مذهبی و شیعی و انقلابی رو ببینند ما کانون را سه برابر خواهیم کرد. ما حتی دو تا اعتکاف می گیریم

برادرها و خواهرها؛ عزاداریها و کم خوابیهاتون قبول باشه اما دستت رو به کمرت بگیر، بلند شو برو و زندگیت رو ادامه بده.